



رابطه امنیت و حمل سلاح سرد
سعید خراط‌ها

۱۶



ناخن‌گیر به جای قمه...
صب‌ا صراف

۱۶



گفت و گو با کامبیز درم‌بخش
هادی حیدری-امید ایرانمهر

۱۵



از مدرنیته رضاخانی تا...
علی رنجی‌پور

۱۴



■ همین‌نی‌پور < حرفه‌ا مجسمه‌سازا

به تماشای آثار ریچارد سرا

دیوارهای فولادین

ریچارد سرا مجسمه‌ساز امریکایی در سال ۱۹۳۲ در سان‌فرانسیسکو متولد شد. هنردوستان او را علاوه بر مجسمه‌های عظیمش با ویدئوآرتهایش هم می‌شناسند. آثار سرا معمولاً از جنس ورقه‌های بزرگ فولادند که در هر فضا و مکانی که قرار می‌گیرند همه را مجذوب عظمت، تاثیرگذاری و در عین حال طرح‌های ساده خود می‌کنند. سرا همچنین مدتی در جنبش آرتراسس فعالیت می‌کرد. او بین سال‌های ۱۹۵۷ و ۱۹۶۱ در دو دانشگاه برکلی و سانتابارا، ادبیات انگلیسی خواند و سپس برای تحصیل در رشته هنرهای زیبا به دانشگاه ییل رفت. در همین سال‌ها بود که سرا برای تامین مخارج زندگی و هزینه تحصیلش به ناچار در یک کارگاه تهیه ورقه‌های فولادی برای مصارف صنعتی استخدام شد. تاثیر این سال‌ها را می‌توان به وضوح در آثار سال‌های بعدی ریچارد سرا آن هم در قالب حجم‌های معروض مشاهده کرد. سرا امروز در نیویورک و نوا اسکاتیا زندگی می‌کند. آثار ابتدایی ریچارد سرا اغلب فرم‌های آبستره و پردازش‌شده‌ای بود که از سرب مذاب ساخته می‌شد. او این ماده مذاب را پیش از سرد شدن، روی دیوار استودیو یا گالری‌ای می‌پاشید که محلی برای نمایش آثارش به حساب می‌آمد. این قطره‌های بزرگ سربی که هر کدام شکل نامنظم و غریبی به خود می‌گرفتند در سال‌های آغازین فعالیت هنری ریچارد سرا شناسنامه حرفه‌ای او به شمار می‌آمدند. با این حال سرا بیشتر به خاطر سازه‌های مینی‌مالیستی‌اش از لوله‌ها و صفحه‌های فلزی به شهرت رسیده است. او بسیاری از این آثار عظیم‌الجثه را به خرج خودش ساخته و بعدها آنها را در مکان‌هایی برای بازدید عموم قرار داده است؛ آثاری که امروز در بسیاری از شهرهای جهان به بخشی از زندگی روزمره شهروندان تبدیل شده است. این ورقه‌های تودرتوی فلزی بر نمادی از سنگینی بار زندگی، بخش‌اندگی طبیعت و ماهیت مواد تاکید می‌کنند. بسیاری از آثار ریچارد سرا درست پیش از نمایش عمومی دستخوش تغییرات طبیعی تسریع‌شده می‌شوند. بعضی دیگر هم با توجه به ماهیت فلزی‌شان، بخش‌های نهایی ساخت را پس از نصب در محل به تدریج پشت سر می‌گذارند. این هم بخشی دیگر از جذابیت کارهای ریچارد سراست؛ او به طبیعت احترام می‌گذارد و در روند آن خللی ایجاد نمی‌کند. آثار فولادی سرا پیش از نصب یا انتقال به نمایشگاه مراحل ابتدایی اکسیداسیون را طی می‌کنند تا رنگ‌شان کمی ثابت شود. اما پس از ۸ تا ۱۰ سال پتینه روی آنها به یک رنگ محدود می‌شود؛ رنگی که تا آخر عمر اثر با آن خواهد ماند. آثار سرا معمولاً اینستالیشن‌هایی‌اند که در محل سوار می‌شوند. مراحل ساختن آنها فرآیندهایی طولانی، دشوار و پرفرت و آمدند که از روز نخست تا انتها، توجه تمام رهگذران را به خود جلب می‌کنند. در سال ۱۹۸۱ ریچارد سرا اثری به نام «کمان یا قوس خمیده» ساخت؛ کمانی با ارتفاع ۳۵ متر که قوسی ملایم دارد و جنبش از فولاد نرم است و در فدرال‌پلازا در شهر نیویورک قرار گرفته است. از همان اولین روز نصب این اثر بحث و جدل‌ها پیرامون آن آغاز شد. کارگرانی که در این محوطه کار می‌کردند، می‌گفتند نصب این کمان عظیم فولادی، مسیر هرروزه آنها برای رسیدن به محل کارشان را طولانی‌تر کرده و به همین دلیل باید از آنجا برداشته شود. در سال ۱۹۸۵ یک نظرسنجی عمومی در این باره برگزار شد که نتیجه‌اش خروج اثر از آن محل بود. پس از تمام این اتفاقات ریچارد سرا با حرکت دادن اثر شدیداً مخالفت کرد. او در یک مصاحبه مطبوعاتی به این تصمیم تاخت و گفت: «جابه‌جا کردن اثری که چنین با محیطش درهم تنیده شده، هیچ فرقی با تخریب آن با یک بولدوز بزرگ ندارد». این جمله سرا بعدها به فرهنگ عامه و مجموعه اصطلاحات نیویورک‌ها راه یافت و سر از کتاب ویلیام گدیس به نام «شوخی‌های مخصوص او» درآورد. در نهایت در پانزدهم مارس سال ۱۹۸۵ کارگران فدرال اثر سرا را از جا کنندند و آن را به تکه‌های بی‌خاصیت و بی‌هویت فولاد تبدیل کردند. سرا را می‌توان به جرات در میان معدود هنرمندانی قرار داد که حتی به خاطر آثار ساخته‌نشده‌شان هم به شهرت می‌رسند و در سال ۲۰۰۲ قرار شد سرا اینستالیشن مشابه آنچه سرانجام به تکه‌های فلز تبدیل شد در یکی از معدود فضاهای سبز دانشگاه فنی کالیفرنیا بسازد. این اثر ورقه‌های فولادی زیگزاگی‌شکل بود و به نام بردارهای موبر معروف شد. به محض اینکه روسای دانشگاه این خبر را با دانشجویان و اساتید دانشگاه در میان گذاشتند با موجی از اعتراض روبه‌رو شدند که آثار سرا را «تقلیدی خودپسندانه» از آثار پیشین‌اش می‌خواند و آن را با ارزش‌های والای دانشگاه در تضاد قرار می‌داد. اثر در نهایت هرگز ساخته نشد اما احتمالاً همان قدر که ساخته شدنش برای سرا تبلیغات به پا می‌کرد، ساخته نشدنش هم خالی از توجه رسانه‌ها و هنردوستان نبود. یکی دیگر از آثار ماندگار ریچارد سرا، مجسمه عظیم «مار» است که از ورقه‌های پیچ در پیچ فولاد در مسیر خمیده و کمانی تشکیل شده است. این مار طولیل فولادی در بزرگ‌ترین گالری موزه گوگنهایم در بیلانو آرام گرفته است. در سال ۲۰۰۵، موزه مجموعه گسترده‌تری از آثار سرا را به نمایش گذاشت و مار و فضای اطراف آن را «فضیه زمان» نام گذاشت. این مجموعه از هشت سازه ساخت سرا تشکیل شده بود که هر کدام ارتفاعی بین ۱۲ تا ۱۴ متر و وزنی بین ۴۴ تا ۳۷۶ تن داشتند. در سال ۲۰۰۰ او سازه «چارلی برون» را ساخت که مجسمه‌ای ۶۰ فوتی است که وزن تقریبی ۳۰ تن دارد. سرا برای آغاز کردن فرآیند اکسیداسیون ترتیبی داد تا آبپاش‌های چمن‌ها در ساعت‌هایی از روز آب را مستقیماً روی ورقه‌های فولادی سازه‌اش بپاشند. این چهار ورقه فولادی از آلمان به امریکا منتقل شده بودند. در بهار سال ۲۰۰۵ سرا به سان‌فرانسیسکو بازگشت و پس از مذاکرات بسیار تصمیم به ساخت سازه‌ای ۱۶۰ تنی در فضای آزاد این دانشگاه گرفت. این اثر امروز بخشی از میراث فرهنگی دانشگاه به حساب می‌آید. در تابستان سال ۲۰۰۷ موزه هنرهای مدرن نیویورک آثار سرا را در قالب برنامه‌ای به نام «سرا؛ از گذشته تا امروز» به نمایش گذاشت. این آثار از میان آثار سرا از سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۶ انتخاب شده بودند و تعدادشان به ۲۷ عدد می‌رسید. تعدادی از این آثار که اختصاصاً برای طبقه دوم موزه ساخته شده بودند توجه بسیاری از هنرمندان جوان را به خود جلب کرد. سرا خود درباره این آخرین نمایش آثارش گفته: «این نمایشگاه که از گذشته تا امروز مرا پیش رویم قرار داد، از یک طرف لذتبخش و از طرف دیگر نوستالژیک است. این نمایشگاه در واقع سیر تاریخی زندگی حرفه‌ای من است؛ مسیری که شاید من هرگز داوطلبانه سراغ کند و کاو در آن نمی‌رفتم و آن را به حال خود رها می‌کردم. این طبیعت من است که در لحظه تنها به آنچه انجام می‌دهم، می‌اندیشم و گذشته را گذشته می‌دانم. اما این نمایشگاه فرصتی تکرارنشدهی برای خودم بود که در خلال آن و از طریق زیر نظر گرفتن عکس‌العمل‌های بازدیدکنندگان، خودم و آثارم را و مسیری را که در آن قدم گذاشته‌ام بهتر بشناسم.»

